



چکیده‌ای از سی نسخه منتخب از کتاب دائره‌المعارف ظهور برای ارائه به جویندگان
حقیقت

نوشته: بروجردی، کاشف توحید بدون مرز

آقای بروجردی، کاشف توحید بدون مرز، یک پژوهشگر دینی است که تاکنون بیش از چهار دهه از عمر خود را در زمینه فعالیت های دینی شامل تحصیل، تدریس و تحقیق صرف نموده است. ایشان خود برخاسته از یک خانواده روحانی است و سابقه سی و پنج سال فعالیت مذهبی در لباس روحانیت را در کارنامه خود دارد. پدران و اجداد او همگی از دانشمندان اسلامی بزرگ عصر خویش، مراجع تقلید، مبلغین دیانت و محافظین اسلام بوده اند. ولی علیرغم داشتن زمینه قوی مذهبی، وی اکنون به روشنگری در زمینه نقد دین و شرایع مذهبی با رویکرد علمی پرداخته است. وی در واقع دین اسلام را در یک کشور اسلامی و تحت حاکمیت یک حکومت دینی سرکوب گر مورد نقد قرار داده و در این راه از دلایل، شواهد و اسناد برگرفته از خود دین و متون دینی بهره می برد که در گذشته و حال، در نوع خود بی سابقه و بی نظیر است.

بنابراین حکومت ایران و حامیان آن که دین را به ابزاری برای استثمار مردم تبدیل ساخته اند، هرگز نتوانسته اند با او مقابله کنند و فقط به سرکوب و تسویه حساب با ایشان روی آورده اند. پی آمدهای آخرین دوره زندان وی که با یازده سال حبس مستمر و شکنجه به جرم دفاع از جدایی دین و سیاست همراه بود، از دست دادن جوانی و خانواده و نابودی بدن او می باشد که مستندات پزشکی آن موجود است. ولی او در اثر فشار وارده از ناحیه دین مداران کم کم به تفکرات جدیدی رسید که با افکار دینی پدران او در تعارض بود. او تعصب را کنار گذاشت و به جای ادامه توجیه و دفاع از استدلال متون دینی، به این نتیجه رسید که همه کسانی که تاکنون به عشق فرمانروای هستی به دنبال ادیان و مذاهب رفته اند، در حقیقت فریب خورده اند. ایشان در دوران زندان متوجه شد که همه داشته های ادیان خلاف واقعیت است و از آن پس، به تحقیق و بررسی و کاوش روی آورد که نتیجه آن چند هزار نسخه مستند تحت عنوان دائرة المعارف ظهور می باشد که در بعد علمی، پژوهشی و دینی گردآوری شده است. برخلاف نویسندگانی مانند سلمان رشدی و دیگر افرادی که اسلام ستیز هستند، بروجردی، با کمال احترام نسبت به ادیان، رهبران و باورمندان آنها، فقط نقض ها، ابهامات و اشکالات دین را درآورده و به جامعه جویای حقیقت عرضه می کند.

بنابراین بروجردی تمامیت دین را رد می کند و عدم تطابق ها را درآورده و نشان می دهد که طبق اسناد خود دین، آنچه ثبت شده است با سند همخوانی ندارد. در حالی که شعار انبیا این بود که به سمت خدا بروید تا رستگار شوید، امت ها و پیروان ادیان گذشته رفتند، ولی همواره در بدبختی و فلاکت بوده اند. چون آن خدایی که ادیان مطرح می کردند، کوچک و نظاره گر امور روزمره انسان ها و خاص کره زمین می باشد، در حالی که کره زمین نسبت به تمامیت هستی، ناپیدا و هیچ است. بروجردی از همه وجدان های بیدار می پرسد که به راستی ادیان و مذاهب برای بشریت در طی هزاران سال گذشته چه کرده اند؟ نیمی از وعده های ادیان همان هایی است که به پیروان آنها داده شده و هرگز محقق نگردید و نیم دیگر هم وعده هایی برای آینده است که نه کسی دیده و نه تجربه شده است که بتوان حقیقت آن را دریافت. هرگز نمی توان روی بهشت و جهنمی که

ادیان وعده می دهند حساب کرد، چون طبق اسناد دینی موجود، حتی پیامبری مانند ابراهیم به خدا گفت که نمی توانم روی این حرف حساب کنم و از خدا خواست که معاد را به او نشان بدهد. بروجردی بر اساس اسناد اسلام ثابت کرده که این دین مورد تحریف واقع شده، چون کتابت آن شامل قرآن، حدیث و روایت، مورد دستبرد و سانسور قرار گرفته است؛ چنان که در اسناد اهل سنت مشاهده می شود پیامبر و رسالت او مورد تمسخر قرار گرفته اند و در اسناد شیعیان هم دیده می شود که امامان همگی با قانون تقیه و یا مطابق با ظرفیت فهم و درک مردم سخن گفته اند. در جایی که شخصیتی به نام شیطان و فرشته ای به نام جبرائیل در اسناد دینی با هم آمیخته می شود و یا جبرائیل در هیبت فردی به نام دحیه بن کلبی به خانه پیامبر رفت و آمد می کند، حرمتی برای متون دینی باقی نمی ماند.

بنابراین پیامبر و امامان هرگز نتوانستند دین و عقاید خود را انتقال دهند، تا جایی که خودشان می گفتند نود درصد دین پنهان مانده است. مثلاً اگر قرآن و سنت که اکثریت مسلمانان و یا قرآن و عترت که شیعیان اعتقاد دارند پیامبر آنها را برای آیندگان باقی گذاشت، کافی بود، پس چرا پیامبر در پایان عمر خود درخواست کرد تا وصیت بنویسد و یا در روز غدیر صد و بیست هزار نفر را گرد هم آورد تا مطلب مهمی را به آنها گوشزد کند؟ اگر پیامبران اتمام دین و اکمال توحید داشتند، چرا توصیه به انتظار می کردند؟

از نظر بروجردی ادیان می بایست در حیات فعلی بشر، پاسخگوی نیازهای او باشند نه اینکه به جای ارائه راهکار، بشریت را به بهشت و جهنم در میلیاردها سال دیگر وعده دهند. حتی شعار خود اسلام و قرآن هم این است که می گوید «افلا تعقلون»؛ یعنی باید عقل را به کار گرفت که هر چه را عقل تایید کرد، دین آن را تایید می کند. عقلانیت امروز بشر نشان می دهد که تمام مباحث توحید زمینی پوچ، باطل و تهی هستند و بشریت هیچ شناختی از خدای واقعی ندارد و آنچه که پیامبران دریافت کرده و ارائه داده اند، با حقایق خداشناسی فاصله دارد.

بروجردی با شعار توحید بدون مرز، به دنبال خدای واقعی و فرمانروای هستی است که صلح، عدالت و ارزش های انسانی از او نشات می گیرد، او در راستای پاک سازی ذهن بشر از آنچه که به دروغ و تصنع به او داده اند، به تدریس شاگردان بسیار و آگاه ساختن جامعه خود می پردازد.

همان طور که دانشمندان در رشته های مختلف گره های زیادی را باز کردند، گره شناسایی خدا هم باز می شود، ولی نیاز به یک اجماع جهانی دارد که همگان با هر زمینه علمی دست به دست هم بدهند و یافته های ماورایی را در اختیار بشر جویای حقیقت بگذارند.

اکنون بروجردی همچنان تحت تعقیب، آزار و فشار قرار دارد و سلامتی وی در خطر قرار گرفته و شاگردانش تهدید، دستگیر و شکنجه می شوند.

از شما دعوت می کنیم که در راستای برقراری صلح پایدار و عدالت در سایه تشکیل یک اجماع خداپرستی بدون مرز، او را یاری کنید.

نمونه هایی از کاوش های ایشان در کتاب دایره المعارف ظهور ارائه میگردد:

چکیده ای از سی نسخه منتخب از کتاب دائره المعارف ظهور برای ارائه به جویندگان حقیقت

مطالب زیر به منظور آشنایی خوانندگان با بخشی از نتایج تحقیقات و مطالعات آقای بروجردی، کاشف توحید بدون مرز، ارائه شده است. سرفصل عناوین مهم که در این چکیده مورد بحث قرار می گیرد، به شرح زیر می باشد:

- دیانت در تضاد با خداپرستی فطری
- ادیان و ناتوانی آنها در معرفی خدا
- فتنه و خشونت در ادیان
- کوچک سازی خدا برای رونق دادن به دین
- بی اعتباری وحی
- چگونگی تدوین قرآن
- بی اعتباری آیات قرآن
- حکم شراب، مثالی از تناقض در قرآن
- چگونگی صدور حکم حجاب برای بانوان
- بی اعتباری جایگاه معنوی پیامبران
- عاشورا

دیانت در تضاد با خداپرستی فطری

همگان در بدو آفرینش به یک فرستنده نوری نگاه می کردند و در آن ماهیت نخستین، انسان چون ملائکه بود و هیچ گونه واکنشی در او اثر نمی کرد. یک سند قرآنی می گوید که مردم در ابتدا یکی بودند و هیچ حد و مرزی شامل قوم، نژاد و مسائل منطقه ای بین آنها وجود نداشت. تا این که خداوند پیامبران را فرستاد تا مردم را به قیامت و بهشت و جهنم مژده دهند و بترسانند و با آنها کتاب نیز فرستاد تا اختلافات میان ایشان را برطرف نماید. نکته مهم این است که به صراحت می گوید پیش از مبعوث شدن پیامبران، اختلاف و تفرقه وجود نداشت و مردم امت واحده بودند. یعنی خود ادیان بودند که مردم را از وضعیت یک دست بودن درآوردند

و باعث ایجاد اختلاف و تفرقه شدند و همه گرفتاری ها از زمانی آغاز شد که اتحاد جامعه جهانی بهم خورد! در واقع ادیان به جای این که اجتماع اهل زمین را به سمت ذات اقدس کبریایی یکدست کنند، در بین آنها تفرقه و دشمنی انداختند! همان طور که تاریخ گواهی می دهد، ادیان و مذاهب و اختلافات مذهبی در واقع ریشه بسیاری از جنگ های ویرانگر و قتل عام های فجیع و ناآرامی های تاریخی و کنونی می باشد. بنابراین باید به اصالت خدایی که در ادیان معرفی شده است، شک کرد (درس ۴۱۲۴).

منابع درس ۴۱۲۴:

قرآن، سوره بقره، آیه ۲۱۳، انتشارات ملک عبدالله، ریاض، عربستان سعودی، صفحه ۳۳
در سند مشابه دیگر گفته شده مردم تا پیش از طوفان نوح یک امت واحد بودند و بدون این که پیامبری بیاید، فطرتا پیرو خدای واقعی بودند، البته نه گمراه بودند و نه هدایت شده، بلکه بر طبق سازماندهی ازل و ابدی حرکت می کردند. بنابراین مردم از مقرراتی به نام دین رها بودند، ولی دین بود که آنها را دچار اختلاف نمود (درس ۴۱۲۴).

پس از ابراهیم، همه پیامبران خود را ابراهیمی می دانستند و دین معرفی شده را از جمله ادیان ابراهیمی معرفی می کردند. ولی اکثریت قاطع پیامبران که شناخته شده نیستند، وظیفه نداشتند که دین یا کتاب معرفی کنند و جار و جنجال به راه اندازند و جنگ و تفرقه بین بشر ایجاد نمایند. بلکه فقط به هدایت انسان ها مشغول بودند (درس ۴۱۲۴).

منابع درس ۴۱۲۴:

بحار الانوار - محمد باقر مجلسی - جلد ۱۱ - صفحه ۱۰ - ناشر: دار احیاء التراث العربی، بیروت - لبنان - سال ۱۴۰۳ ق
تفسیر برهان - سید هاشم بحرانی - جلد ۱ - صفحه ۶۶۱ - نشر موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، لبنان، سال ۱۴۲۷ ه.ق
تفسیر نور الثقلین - عبد علی بن جمعة العروسی حویزی - جلد ۱ - صفحه ۲۰۹ - ناشر: المطبعة العلمية، قم - سال ۱۳۸۴ ه.ق

کتاب اصول کافی، جلد ۸، صفحه ۸۲، دارالتعارف المطبوعه، بیروت، لبنان، ۱۴۱۰ قمری
کتاب تفسیر قمی (علی ابن ابراهیم قمی، شیخ قمی)، جلد ۱، صفحه ۱۰۸، دارالکتاب، قم، ایران، ۱۳۱۳ قمری

پیامبر اسلام گفته است خدا گناه کسی که دین ساخته است را نمی آمرزد. اگر این کلام از خدای حقیقی و صاحب هستی باشد، آنگاه باید پرسید پس آنچه که ادیان و مذاهب آورده اند از طرف خودشان بوده و یا از طرف خدای حقیقی است؟ اگر از طرف خدای حقیقی باشد، پس چرا در آنها عدم تطابق به چشم می خورد و وعده های آنها بی پاسخ مانده است؟ بنابراین با به کار انداختن عقل و شعور و تدبیر، به یک دوراهی چالشی می رسیم که نشان می دهد ادیان و کتاب های آسمانی که آکنده از عدم تطابق هستند، طبق اسناد موجود در خود آنها، وابسته به خدای حقیقی و مدیر کل هستی نیست (درس ۴۴۶۸).

منابع درس ۴۴۶۸:

وسایل الشیعه - شیخ حرّ عاملی- جلد ۱۹ - صفحه ۱۰۸ - حدیث ۲۴۲۵۶ - ناشر: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث ، قم - سال ۱۴۱۶ هـ.ق

وسایل الشیعه - شیخ حرّ عاملی- جلد ۱۶ - صفحه ۵۵ - ناشر: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث ، قم - سال ۱۴۱۶ هـ.ق
عیون اخبار الرضا- شیخ صدوق- جلد ۲ - صفحه ۳۳ - باب ۳۱ - نشر جهان ، تهران - چاپ اول - سال ۱۳۷۸ ش
بحار الانوار - محمد باقر مجلسی- جلد ۱۰۰ - صفحه ۱۶۶ - باب ۱۰ - الإجاره و القبالة و احكامها - ناشر: دار احیاء التراث العربی ، بیروت - سال ۱۴۰۳ هـ.ق

ادیان و ناتوانی آنها در معرفی خدا

بر اساس یک سند دینی، اگر تمام اهالی آسمان و زمین شامل انسان ها و موجودات نوری و حتی پیامبران، گرد هم آیند تا خدا را تعریف کنند، هرگز نخواهند توانست. بر اساس همین سند می توان نتیجه گرفت که آنچه ادیان و مذاهب در مورد تعریف خدا ارائه داده اند، در شأن و جایگاه او نیست. به همین دلیل است که گفته شده فتنه اسلام از درون قرآن ایجاد می شود، چون این کتاب وصف خدا را به صورت زمینی و از دیدگاه خاکی ارائه داده است، در حالی که توصیف مدیریت کل هستی باید از ناحیه فراتر از خلقت صورت بگیرد، ولی ادیان مجبور هستند برای این که خدا را در دلها جای دهند، او را در حد فهم و ظرفیت درک انسان ها کوچک کنند (درس ۴۶۳۲).

منبع درس ۴۶۳۲:

اصول کافی - محمد بن یعقوب کلینی- جلد ۱ - کتاب التوحید- صفحه ۵۹ - حدیث ۴ - ناشر: منشورات الفجر ، بیروت - لبنان، سال 1428 هـ.ق

طبق اسناد دینی، با پیشرفت و تکامل بشر در دوره های آینده که همراه با کامل شدن عقل انسان ها و گسترش تحقیق و کاوش می باشد و کسی با چشم و گوش بسته سخنی را نمی پذیرد، سوره توحید در پاسخ به ذهن جویای مردم این دوران فرستاده شده است. در نقد این ادعا باید گفت که آنچه به عنوان سوره توحید در قرآن فعلی موجود است، سرشار از عدم تطابق و تعریف ناقص و کوچک کننده از خدا می باشد که خود دلیلی است بر بی اعتباری این کتاب را که حتی قادر به یک تعریف موجه از خدا نیست. این ادعاهای دروغین و شیوه های نادرست در مبانی خداشناسی، ناکارآمدی ادیان و مذاهب را نشان می دهد. پس نتیجه می گیریم که اگر وجدان مُرده است و عدالت وجود ندارد، اگر انصاف نیست و جرم و جنایت فراگیر شده و بشریت در گرفتاری ها غوطه ور می باشد، تماماً به دلیل عینکی است که ادیان به چشم بشر زدند و با کوچک سازی خداوند و فریب خداجویان، آنها را به جهل مطلق سوق دادند. به یقین خدا بسیار برتر از این گونه اندیشه هاست که او را محدود به کره زمین کرده اند، در حالی که کره زمین در برابر کل هستی هیچ است (درس ۴۶۳۳).

منابع درس ۴۶۳۳:

اصول کافی - محمد بن یعقوب کلینی- جلد ۱ - کتاب التوحید- صفحه ۵۴ - حدیث ۴ - ناشر: منشورات الفجر ، بیروت - لبنان، سال 1428 هـ.ق

التوحيد - شيخ صدوق - صفحه ۲۷۷ - حديث ۲ - ناشر: موسسه النشر الاسلامی ، قم - چاپ دهم - سال ۱۴۳۰ ه.ق
التوحيد - شيخ صدوق - باب ۴۰ ، ادنی ما یجزی من معرفة التوحيد - صفحه ۲۸۳ - حديث ۲ - ناشر: دار المعرفة ، بيروت
، ۱۴۳۰ قمری
بحارالانوار- محمد باقر مجلسی- جلد ۳ - صفحه ۲۶۳ - حديث ۲۱ - ناشر : دار احیاء التراث العربی- بیروت- سال ۱۴۰۳ق

فتنه و خشونت در ادیان

در کتاب قرآن و بعضی از اسناد دینی اشاره به داستان هولناکی شده که پیروان آیین یهود، بیست هزار نفر از مسیحیان را به دلیل خودداری از پذیرش آیین یهود، در چاله ای ریخته و سوزاندند. در حالی که خود اسلام با خشونت نسبت به انسان ها برخورد کرده و مثلا احکام غیر انسانی مانند آتش زدن، گردن زدن و یا از کوه پرتاب کردن را برای مجازات همجنس گرایی در نظر گرفته است. بنابراین وقتی که ادیان ایجاد مرزبندی و سنگربندی می کنند، هر کدام به نام یک دین، دیگری را نابود می کنند. چون حقیقتی در پس آنها نیست، پس رو به جنایت می آورند (درس ۵۵۸۵).

منبع درس ۵۵۸۵:

قصص الانبیاء - قطب الدین راوندی - جلد ۱ - صفحه ۴۴۹ - ناشر : آستان قدس رضوی ، مشهد ، ۱۳۶۸

در یک سند دینی از قول پیامبر گفته شده که مشرق زمین منطقه طلوع شیطان و محل فتنه است، در حالی که همه ادیان در مشرق زمین به وجود آمدند و همه انبیا، اهل مشرق زمین بودند. تاریخ نشان می دهد که این دین مداران و صاحب منصبان دینی بودند که فتنه کردند، کما این که عیسی مسیح را علمای یهود فتنه کردند و حکم قتل او را صادر کردند. یا پیامبر اسلام که با زور شمشیر و یا خرج کردن از مال خود می خواست همه را به اسلام دعوت کند و در و پیکر اسلام را برای همگان گشود، پس بدون این که طینت ها عوض شود، جمعیتی از سیاهی لشکر دور اسلام گرد آمدند و حتی برای نابودی خود اسلام و جنگ مذهب بر علیه مذهب تلاش کردند (درس ۴۱۲۱).

منابع درس ۴۱۲۱:

تفسیر برهان - سید هاشم بحرانی - جلد ۳ - صفحه ۸۳ - نشر دارالتفسیر ، قم - سال ۱۴۱۷ ه.ق
تفسیر قمی - علی بن ابراهیم قمی - بخش کیفیت حج - صفحه ۵۲ - نشر دار الکتاب ، قم - سال ۱۳۱۳ ه.ق
صحیح بخاری - محمد بن اسماعیل بخاری - کتاب فرض الخمس، صفحه ۷۶۵، حدیث ۳۱۰۴ ، ناشر : دار ابن کثیر ، بیروت - لبنان، چاپ اول - ۰۱۴۲۳ ه.ق
صحیح بخاری - محمد بن اسماعیل بخاری - کتاب بدء الخلق ، صفحه ۸۰۸، حدیث ۳۲۷۹ ، ناشر : دار ابن کثیر ، بیروت - چاپ اول - ۰۱۴۲۳ ه.ق
صحیح مسلم - : مسلم بن حجاج نیشابوری ، جلد ۴، صفحه ۲۲۲۸، حدیث ۲۹۰۵ - ناشر : دارالکتب العلمیه، بیروت ، ۱۴۱۲ قمری

صحيح سنن ترمذی - ابو عیسی محمد بن عیسی ترمذی - جلد ۴، صفحه ۱۱۵، کتاب الفتن، حدیث ۲۲۶۸، ناشر: دارالغرب الاسلامی، بیروت، لبنان، چاپ اول، ۱۳۷۵ شمسی
مسند الامام احمد بن حنبل - أحمد بن حنبل الشیبانی، جلد ۳، صفحه ۱۷۲، حدیث ۵۲۲۷، ناشر: دار الکتب العلمیه، بیروت، لبنان، ۱۴۲۹ قمری
مسند الامام احمد بن حنبل - أحمد بن حنبل الشیبانی، صفحه ۳۷۰، حدیث ۵۱۰۹، ناشر: دار السلام للنشر و التوزیع، الرياض - چاپ اول - ۱۴۳۴ ه.ق

کوچک سازی خدا برای رونق دادن به دین

در سند مربوط به معراج پیامبر که داستان آن بیشتر به یک سفر فضایی و تخیلی شباهت دارد، گفته شده که پیامبر به آسمان رفت، گویا خدای این ماجرا فقط در آسمان است و جای دیگر نیست! سپس پیامبر به حدی به او نزدیک شد که تشخیص داد فاصله آنها به اندازه یک تیر و کمان رسیده است. چگونه خدا را می توان در یک جایگاه محدود توصیف کرد و مگر ممکن است که خالق هستی محدود به یک مکان خاص در آسمان باشد؟ این داستان سرایی ها نه تنها پیامبر را بالا نمی برد، بلکه خدا را هم به حدی کوچک می سازد که هیچ عقل سالمی به چنین خدایی ایمان نخواهد آورد. اگر خدا تا این حد پایین معرفی شود، پس پیامبر او و دین او هم به همان نسبت پایین خواهند آمد. چنین ادبیاتی که خدا را این گونه معرفی می کند، محصولی به جز ادیان و شرایع و مناسک دینی فعلی نخواهد داشت که بشر را به بهشت و جهنم وعده می دهد و با عقل انسان عصر مدرن سازگاری ندارد. بنابراین خدایی که در ادیان معرفی شده است، با فرمانروای کل هستی متفاوت می باشد (درس ۴۳۹۴).

منابع درس ۴۳۹۴:

بحارالانوار- محمد باقر مجلسی- جلد ۱۸ - صفحه ۴۰۶ - ناشر: دار التراث العربی، بیروت - ۱۴۰۳ ه.ق
تفسیر برهان - سید هاشم بحرانی- جلد ۳ - صفحه ۴۹۹ - نشر دارالتفسیر قم - سال ۱۴۱۷ ه.ق

بی اعتباری وحی

در متن قرآن گفته شده که خداوند به زنبور عسل وحی کرده است که چه مسیری را در حیات خود دنبال نماید. از طرف دیگر به مادر موسی هم وحی شده که فرزند خود را به نیل بیاندازد. بنابراین مشاهده می شود که حتی یک حشره به طور مستقیم از خدا وحی دریافت کرده است. ولی پیامبر با آن عظمتی که برای او تعریف شده، باید وحی را با واسطه از طریق روح القدس یا جبرائیل دریافت کند. در واقع این نوشته ها یک نوع عدم تطابق می باشد و با عقل سازگار نیست. البته علت این که چنین چالش هایی در زمان نزول قرآن یا تدوین آن ایجاد نشد و مخاطبین چنین سوالاتی را مطرح نکردند، این است که ظرفیت درک آنها بیش از این نبود. اگر کسی به منظور توجیه چنین عدم تطابق هایی بگوید که این وحی با آن دیگر تفاوت دارد، پاسخ این است که مگر در قرآن گفته نشده که این کتاب برای خواندن و ذکر آسان شده است؟ پس دلیلی برای ایجاد ابهام نباید باشد.

مگر مسلمانان و خلفای آنها در آیه غدیر و یا آیه تطهیر به ظاهر آن نگاه نکردند و آیه اول را به خرید و فروش و آیه دوم را به زنان پیامبر نسبت دادند؟ (درس ۳۷۰۶).

منبع درس ۳۷۰۶: سوره نحل آیه ۶۸- قرآن

در یک سند دینی گفته شده که پیامبر در یک ماجرای در خرید دچار توهم شده و جنس فروشی را با هدیه اشتباه گرفته است، در حالی که در بسیاری از همین اسناد در مورد او گفته شده که پیامبر عصمت داشته و به وحی متصل است، پس نباید متوهم گردد. ضمن این که گفته شده پیامبر علم منسوب به خدا داشته و عالم به «مَا كَانَ وَ مَا يُكُونُ وَ مَا هُوَ كَائِنٌ»^۱ بوده است. از این گذشته، کسی که این ماجرا را بازگو کرده، پیامبر را با بی حرمتی خطاب کرده است که با توجه به جایگاه او در آن زمان در بین مردم، چنین رفتاری عجیب به نظر می رسد. تمام این موارد عدم تطابق بین ثبت با سند را نشان می دهد (درس ۳۷۷۱).

منبع درس ۳۱۷۱:

بحار الانوار - محمد باقر مجلسی- جلد ۱۶ - صفحه ۲۹۶ - حدیث ۱ - ناشر: دار التراث العربی، بیروت - سال ۱۴۰۳ ه.ق

طبق مستندات دینی، کار شیطان و فرشته یکی است و هر دو در اغوای انسان نقش دارند. در طی سفری که گفته می شود پیغمبر به فضا داشت و به معراج معروف شده است، در چند جایگاه مختلف با فرشته هایی گوناگون روبرو گردید و در طی گفتگوها مشخص شد که این فرشتگان هر کدام صاحب و مأمور القای یکی از رذایل اخلاقی همچون دنیا طلبی، تکبر، خودخواهی و مغرور شدن به انجام عبادات، حسد و ایجاد حجاب بین خدا و انسان ها هستند. پس مسیر ابلاغ این رذایل از بالا به پایین است و شیطان در آن دخالتی ندارد که می تواند دلیل دیگری باشد بر این که گناهان انسان از بالا به او القا شده و انسان اختیاری در انجام یا عدم انجام گناه ندارد. بر این اساس تمام مشکلات، موانع، زشتی ها و بدی ها و گناهان از ناحیه ملائکه و فرشتگان و نه شیطان هستند و شاید با هم همکاری می کنند. بنابراین اگر فرشته ها تا این حد در انحراف انسان ها دخیل می باشند، چگونه می توان به منبع وحی که آن هم گویا توسط فرشته ای به نام جبرائیل بوده اعتماد کرد؟ (درس ۵۷۷۳).

منابع درس ۵۷۷۳:

عدة الداعي و نجاح الساعي- احمد بن محمد بن فهد حلی - باب علاج العجب - صفحه ۲۴۳ و ۲۴۴ - ناشر: دار الکتب

الاسلامی، بیروت، لبنان، ۱۴۰۷ قمری

فلاح السائل و نجاح المسائل - سید ابن طاووس- صفحه ۲۲۹ و ۲۳۰- مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه

قم، قم، ایران، ۱۳۷۷ شمسی

تفسیر برهان -سید هاشم بحرانی- جلد ۴۴ - صفحه ۱۱۹ - ناشر: دارالتفسیر، قم - سال ۱۴۱۷ ه.ق.

الوافی - ملا محسن فیض کاشانی- جلد ۴ - صفحه ۲۹۶ و ۲۹۷ - ناشر: عطر عترت، اصفهان - سال ۱۴۳۰ ه.ق.

بحار الانوار - محمد باقر مجلسی- جلد ۶۷ - صفحه ۲۴۷- حدیث ۲۰ - ناشر: دارالتراث العربی، بیروت، سال ۱۴۰۳ ه.ق

چگونگی تدوین قرآن

بر اساس یک سند دینی، به دنبال یکی از جنگ های در صدر اسلام که تعدادی از قاریان قرآن و حافظان این کتاب کشته شدند، خلیفه اول و دوم صلاح را در این دیدند که قرآن را گردآوری کنند تا مبادا در اثر چنین حوادثی از بین برود. هر چند در همان زمان هشت کاتب قرآن وجود داشتند، ولی گویا محتوای آنچه آنها جمع کرده بودند مورد تایید این دو نفر نبوده است. در حالی که ابوبکر در مورد نحوه این کار نگران بود، عمر مدعی شد که خدا به او شرح صدر داده و آن را به ابوبکر هم انتقال داد. سپس آیات را جستجو کردند که مسلماً هیچ معیاری برای تایید یا عدم تایید آنچه که گردآوری می شود وجود نداشت، حتی کسانی که از سنین خردسالی همراه پیامبر بودند نیز به این کار دعوت شدند. ماحصل گردآوری آنها همین قرآنی است که موجود می باشد (درس ۴۵۶۲).

منبع درس ۴۵۶۲:

سنن ترمذی - ابو عیسی محمد بن عیسی ترمذی، جلد ۵، صفحه ۱۸۰، حدیث ۳۱۰۳، ناشر: دارالغرب الاسلامی، بیروت، لبنان، چاپ اول، ۱۳۷۵ شمسی

یک پرسش اساسی این است که این کتاب قرآن چیست و از کجا آمده است؟ اگر از طرف خداست، چرا در گفته های آن تضاد و عدم تطابق دیده می شود؟ یک سند دینی پاسخ می دهد که نه از طرف خالق و نه از طرف مخلوق، بلکه از طرف خالق است! پاسخی که با تقیه و در راستای ایجاد تردید و تفکر در مخاطب داده شده است. آنجا که در این کتاب دیده می شود که یک نوشیدنی مانند شراب یک بار حلال شده و سپس حرام می گردد، نمی توان گفت که کلام خالق باشد، بلکه به کلام مخلوق بیشتر شباهت دارد. کسی که وارد حوزه اسلام می شود و می گوید «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» از او خواسته شده که به غیب ایمان آورد «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ»، اگر غیب همان خدای حقیقی بود، باز جای امیدی وجود داشت. ولی غیب در نهایت به جبرائیل ختم می شود که آن هم گاه نزد عایشه و گاه در جلد دحیه کلبی بوده است (درس ۵۳۴۳)

منابع درس ۵۳۴۳:

تفسیر برهان- سید هاشم بحرانی- جلد ۱- صفحه ۲۱- ناشر: کتابخانه الاعلمی، بیروت، لبنان، ۱۴۲۷
بحار الانوار- محمد باقر مجلسی- جلد ۸۹ - صفحه ۱۲۰- ناشر: دار احیاء التراث العربی، بیروت- سال ۱۴۰۳ق
تفسیر عیاشی- محمد بن مسعود عیاش السلمی السمرقندی معروف به عیاشی- جلد ۱ - صفحه ۸۰ - ناشر: انتشارات موسسه بعثت، قم، ۱۴۲۱ قمری

در یک سند دینی که به وضوح تلاش تحریف کنندگان را برای بالا نشان دادن مقام همسر پیامبر حتی به قیمت سلب آبرو از خود پیامبر و دین وی نشان می دهد، گفته شده که در بین زنان متعدد پیامبر، فقط عایشه شایسته دریافت هدایا از مردم در روز همخوابگی با پیامبر را داشته است و اعتراض سایر زنان او مبنی بر رعایت عدالت و دریافت هدایا از طرف خود پیامبر رد می شد. چون وحی تنها در زیر لحاف عایشه بر پیغمبر نازل می شده است! این نوع بزرگنمایی ها در واقع مقدمه ای برای توطئه های بعدی شامل رسیدن پدرش به خلافت، تحریف قرآن و روایات و برپایی جنگ جمل می باشد (درس ۴۵۶۵)

منابع درس ۴۵۶۵:

سنن ترمذی - ابو عیسی محمد بن عیسی ترمذی، جلد ۶، باب المناقب، حدیث ۳۸۷۹، صفحه ۱۸۰، ناشر: دارالغرب الاسلامی، بیروت، لبنان، چاپ اول، ۱۳۷۵ شمسی

صحیح مسلم - : مسلم بن حجاج نیشابوری، جلد ۴، صفحه ۱۸۹۱، حدیث ۲۴۴۱، ناشر: دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۲ قمری

بر اساس متون دینی، مواردی وجود دارد که آیه ای از قرآن برای نیازهای شخصی پیامبر نازل شده و هر جا که رسول خاتم به علت کمرویی و معذورات در ارتباطات نتوانست سخن خود را بگوید، از زبان وحی استفاده کرده است. مثلا در یک مورد عده ای از مسلمانان در خانه پیغمبر مهمان بوده اند و پس از صرف غذا خانه را ترک نمی کردند، بنابراین آیه ای نازل شده که آنها را به ترک خانه ترغیب نماید. این موارد باید مورد بررسی قرار گیرد. یافتن چنین عدم تطابق ها می تواند تاییدی باشد بر بی اعتباری این کتاب و خدای معرفی شده در آن که خود محرکی خواهد بود در کشف حقیقت شناخت ذات خدا و یافتن او به انسان کمک کند (درس ۵۱۵۱).

منابع درس ۵۱۵۱:

صحیح بخاری - محمد بن اسماعیل بخاری - صفحه ۱۲۰۴، کتاب التفسیر، حدیث ۴۷۹۲ - ناشر: دار ابن کثیر، بیروت - چاپ اول - ۱۴۲۳ هـ.ق

صحیح مسلم - : مسلم بن حجاج نیشابوری، جلد ۲، صفحه ۱۰۴۹، حدیث ۱۴۲۸، ناشر: دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۲ قمری

در اواخر عمر پیامبر، هنگامی که او در خانه اش در حال جان دادن بود، عده ای دور او جمع شده بودند که او درخواست کرد برای وی کاغذ و قلم بیاورند که چیزی بنویسد تا پس از او گمراه نشوند. ولی پرسش این است که مگر قرآن و سنت و سیره و عملکرد پیامبر مستند نشده بود که پیامبر نگران گمراهی مردم باشد؟ پس مشخص می شود که قرآن هدایت نکرد، چون سرشار از عدم تطابق بود. در سند دیگری همین ماجرا نوشته شده و گفته شده که پیامبر کاغذ و دوات خواسته است تا چیزی بنویسد که از یک اشکال بزرگ جلوگیری کند و در مورد آنچه که پس از او استحقاق دارد توضیح دهد. پس آشکار است که قرآن استحقاق نداشته و پیامبر اسلام به جبرائیل و روح الامین و روح القدس که واسطه او با خدای قرآن بودند، تردید داشته است، ولی برای جلوگیری از تفرقه بین مسلمانان این ماجرا را تا زمان مرگ فاش نکرد. البته پیامبر اسلام پیش از این ماجرا مسموم شده بود و در زمان این درخواست هم کسی به او توجه نکرد و او را دیوانه و هذیان گو خطاب کرده بودند. در واقع پیامبر خواسته بود که برای جلوگیری از ایجاد اختلاف بین مسلمانان محکم کاری کند، ولی گروه حریف که توطئه کرده بودند، پس از مرگ او کتاب قرآن را به نحوی که می خواستند تنظیم و ویراستاری کردند و شعار آنها این بود که «حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ» کتاب خدا ما را بس است، در حالی که این کتاب را خودشان نوشته بودند و به خدا نسبت دادند (درس ۵۷۶۴).

منابع درس ۵۷۶۴:

سر العالمین - امام محمد غزالی - مقاله چهارم - صفحه ۱۷ - ناشر ، مطبعة النعمان ، نجف - سال ۱۹۶۵ م .
 تذکره الخواص - سبط ابن جوزی - جلد ۱ - صفحه ۶۵ - ناشر: الشریف الرضی ، قم - چاپ اول - سال ۱۴۱۸ ه.ق .
 صحیح بخاری - محمد بن اسماعیل بخاری ، صفحه ۴۱ ، کتاب العلم ، حدیث ۱۱۴ - ناشر : دار ابن کثیر ، بیروت - چاپ اول - ۱۴۲۳ ه.ق .
 صحیح مسلم - : مسلم بن حجاج نیشابوری - جلد ۳ ، صفحه ۱۲۵۷ ، کتاب وصیت - حدیث ۱۶۳۶ ، ناشر : دارالکتب العلمیه ، بیروت ، ۱۴۱۲ قمری
 مسند احمد بن حنبل - أحمد بن محمد بن محمد بن حنبل الشیبانی - جلد ۲ - صفحه ۴۵ - حدیث ۱۹۶۳ - ناشر: دار الکتب العلمیه ، بیروت ، لبنان ، ۱۴۲۹ قمری
 شرح نهج البلاغه - ابن ابی الحدید معتزلی - جلد ۲ - خطبه ۲۶ - صفحه ۵۵ - ناشر: مکتبه ایه الله مرعشی نجفی ، قم - سال ۱۴۰۶ ه.ق .

در یک ماجرای تاریخی مستند، آشکار است که بین معاویه خلیفه مسلمین که پدرش از دشمنان اسلام بود و با زور شمشیر مسلمان شد از یک طرف و عبدالله ابن عباس پسرعموی علی و پیامبر بحث می شود که طی آن معاویه از وی می خواهد که علیه او افشاگری نکند و حقیقت و تفسیر قرآن را برای مردم آشکار نسازد. بلکه به ظاهر این کتاب مشغول شود. علیرغم این که معاویه می پذیرد که حق با او نیست، با این حال با پرداخت رشوه و تهدید، تلاش می کند که خود را برحق نشان دهد تا مبادا بر علیه او کودتا شود. از طرفی با استخدام افرادی مانند ابوهریره، کارخانه تولید حدیث و روایت ایجاد می کنند که آن اکاذیب اکنون میراث مستند اسلام محسوب می گردند. از همین رو است که گفته شده قرآن موجب فتنه می گردد. آنها بودند که قرآن را هر طور خواستند نوشتند، با تکیه بر جایگاه عایشه همسر پیامبر، نزول وحی را به او نسبت دادند که اکنون پایه دین ناکارآمد امروزی و شرایع خشن فعلی است که مشوق تندروها و گروه های تروریستی برای ایجاد فتنه می باشد (درس ۵۵۷۸).

منبع درس ۵۵۷۸:

سلیم بن قیس هلالی - ابوصادق سلیم بن قیس هلالی عامری کوفی - صفحه ۳۱۶ - قسمت ۳ - احتجاجات ابن عباس علی معاویه - ناشر: الهادی ، قم - چاپ اول - سال ۱۴۰۵ ه.ق .
 بحارالانوار - محمد باقر مجلسی - جلد ۴۲ صفحه ۳۷ و جلد ۴۴ صفحه ۱۲۳ - ناشر : دار احیاء التراث العربی ، بیروت - سال ۱۴۰۳ ق

بر اساس یک سند دینی، معاویه پس از پیروزی بر علی و پس از این که حسن وادار به صلح گردید، در اوج قدرت بر منبر رفت و مدعی شد پیامبر به او گفته است که تو پس از من خلیفه هستی، پس پایتخت خود را در سرزمین مقدس بگذار که منظور همان سوریه کنونی است، (گویا مکه برای آنها مقدس نبوده است!) جایی که مردم خوب جمع شده اند، پس علی را لعنت کنید، که از آن پس لعنت بر علی شعار معاویه و حکومت او گردید. سپس در ماجرای دیگری قاریان و حکام خود را خطاب قرار داد که اعلام کنید معاویه امیرالمومنین است و مسئول وحی و کاتب پیامبر بوده است، در حالی که خود او بیسواد بود! و به دلیل بیسوادی اش، من را انتخاب کرده که من از اهل بیت و امین او هستم. هرگاه وحی نازل می شد، من می نوشتم و او نمی داند که

من چه چیزی می نویسم. آیا این اعترافات معاویه، خلیفه مسلمین و کاتب وحی برای نشان دادن بی اعتباری قرآن کافی نیست؟ (درس ۴۹۶۹).

منابع درس ۴۹۶۹:

شرح نهج البلاغه - ابن ابی الحدید معتزلی- جلد ۴- صفحه ۷۲- ناشر: مکتبه ایه الله المرعشی النجفی، قم سال ۱۴۰۴. ق. بحارالانوار- محمد باقر مجلسی- جلد ۳۳ - صفحه ۲۱۵ - حدیث ۴۹۲ - ناشر: دار التراث العربی، بیروت- چاپ سوم - سال ۱۴۰۳. ق.

در خوشبینانه ترین حالت می توان به یک سند دینی مراجعه کرد که دخالت پیامبر را در صدور احکام و قوانینی که گفته شده از سوی خدا نازل گردیده اند، نشان می دهد. طبق این سند، با توجه به شرایط زمانی و مصلحت جامعه، امکان ایجاد تغییراتی از طرف ولی میانی در مسائل اجتماعی و اعتباری وجود دارد که به آن احکام ثانویه گفته می شود. این احکام ثانویه بیشتر در حرام و حلال ها مشاهده شده است و از دیدگاه دینی، نوعی دخالت زمینی در فرمان الهی محسوب می گردد. مثلا پیامبر حکم تحریم شراب و قانون دیه را خودش تعیین کرده است. با این که در قرآن در سوره نحل در مورد شراب تعریف شده است، ولی این آیه منسوخ می گردد و آیه دیگری در حرمت شراب ارائه شده که ناسخ به حساب می آید. قوانین شریعت در مورد قصاص و دیه نیز طبق همین سند توسط پیامبر به عنوان ولی میانی و نه خدا، وضع شده است. البته گفته شده که گویا پیامبر با این تغییرات می خواست مشخص کند که آیا پیروان این دین به واسطه بین آنها و خدا که پیامبر معرفی شده حرمت می دهند و با او هماهنگ هستند؟ (درس ۲۱۲۰).

منابع درس ۲۱۲۰:

اصول کافی - محمد بن یعقوب کلینی - جلد ۱ - صفحه ۱۵۹ - حدیث ۷، ناشر منشورات الفجر، بیروت، لبنان، - ۱۴۲۸ قمری

بحارالانوار- محمد باقر مجلسی- جلد ۱۷- صفحه ۶- ناشر دار احیاء التراث الاسلامی، بیروت- سال ۱۴۰۳ق
الوافی- ملا محسن فیض کاشانی- جلد ۳- صفحه ۶۱۹- ناشر: مکتبه الامام امیر المؤمنین، اصفهان- سال ۱۴۰۶. ق.

بی اعتباری آیات قرآن

در قرآن آیه ای وجود دارد که می گوید اگر انسان ها و جن ها می توانند، چیزی شبیه به این قرآن بیاورند. در اینجا صراحتا به یک قرآن خاص اشاره شده که مشخص می گردد تعداد قرآن ها بیشتر از یکی بوده است. ولی بر اساس یک سند دیگر، معجزه علامتی از خدا معرفی شده و هرگز گفته نشده که معجزه صرفا به خدا اختصاص دارد و دیگران از انجام آن عاجز هستند. حال اگر قرآن معجزه حساب گردد، پس با عدم تطابق های آن چه می توان کرد؟ نه می توان صحت آن را تایید کرد و نه در مورد مفهوم آن می توان به طور قطع نظر داد. در ابتدای این کتاب هم گفته شده که این کتاب برای کسانی است که به غیب ایمان دارند، یعنی راه هر گونه مخالفت با آن و عقل گرایی و استدلال را بسته است. در حالی که طبق اسناد دینی تعقل و تفکر امری ضروری و

گریز از آن مستوجب توبیخ می باشد و همچنین شرع نیز باید مورد تایید عقل قرار بگیرد. بنابراین معجزه بودن قرآن نیز باید مورد تایید عقل باشد. ولی عقل حکم می کند که این کتاب اگر چه در حد و اندازه معجزه معرفی شده، فاقد هر گونه اعجاز و در تضاد با عقل می باشد و کارآیی ندارد، پس نمی تواند بشر را به سوی خالق خود هدایت کند (درس ۵۶۵۸).

منابع درس ۵۶۵۸:

آیه ۸۸ سوره اسراء ((قُلْ لِّئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا))

علل الشرایع- شیخ صدوق - باب ۱۰۰- علة المعجزة- حدیث ۱ - صفحه ۱۲۲- ناشر: المكتبة الحیدریة، قم - سال ۱۴۲۰هـ.ق

در اسناد دینی موارد زیادی مستند شده است که اگر این آیه یا آن سوره از قرآن را بخوانید یا در هنگام مشکلات بر زبان آورید، بلاها و گرفتاری ها رفع می شود و نجات پیدا می کنید! ولی در تاریخ ثبت شده که حتی بزرگان اسلام مانند خود پیامبر و یا امامان که صاحب این دین و تجسم این آیات بودند، نتوانستند خود را نجات دهند. مثلا اگر امام دوازدهم شیعیان مصونیت داشت، چرا پنهان شد و غیبت کرد؟ اگر پیغمبر معصوم بود و عصمت داشت، چگونه توسط همسر خودش مسموم شد و از دنیا رفت؟ اگر امامزاده ها قدرتی برای کمک به مردم داشتند، پس چرا نتوانستند از خودشان دفاع کنند، از مدینه فرار کرده و در کوه ها و دشت ها پنهان شدند که قربانی بنی امیه و بنی عباس گردند؟ این گونه موارد مضحکه ای است برای مخالفان دین و محل بن بست در تفکرات است برای اهل تحقیق که می آزمایشند و پاسخ نمی گیرند (درس ۵۵۸۶).

منابع درس ۵۵۸۶:

تفسیر برهان- سید هاشم بحرانی- جلد ۱- صفحه ۹۶ - ناشر: مؤسسة البعثة، قسم الدراسات الاسلامیة، قم.
وسایل الشیعة- شیخ حرّ عاملی- جلد ۶ - کتاب الصلاة- ابواب قراءة القرآن - باب استحباب تکرار الحمد- صفحه ۲۳۱- حدیث ۷۸۰۶ - ناشر: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث ، قم - سال ۱۴۱۶ هـ.ق
اصول کافی- محمد بن یعقوب کلینی - جلد ۲ - صفحه ۳۴۵- حدیث ۲۰- باب فضل القرآن، ناشر منشورات الفجر، بیروت، لبنان، - ۱۴۲۸ قمری

در اسناد دینی از قرآن تعریف و تمجید های فراوان شده است و آن را فرقان، حکیم، کریم و ... خوانده اند. پیامبر طی یک سند دینی می گوید که مثقالی در زمین و آسمان نیست که از خدا پوشیده باشد، مگر این که در این کتاب مبین آمده است. مثقال به معنی کمترین میزان ممکن در سنجش وزن اجسام می باشد. این حرف ادعای بزرگی است و انسان محقق را با یک عدم تطابق بزرگ رو به رو می سازد. اگر این طور باشد، زندگی یک انسان معمولی خود انبوهی بی شمار از مثقال ها است که خود انسان ذره ای ناچیز در زمین و زمین ذره ای ناچیز در کل هستی است، حال پرسش این است که محتوای قرآن در مقایسه با کل ذرات زمین و آسمان چه اهمیتی دارد؟ چگونه نام این کتاب را مبین گذاشته است، در حالی که این کتاب آکنده از عدم تطابق ها، پرسش های پاسخ داده نشده، آیات نامفهوم یا دارای مفهوم چند پهلو و همانند آن است که یکی از عوامل اصلی گمراهی و گرفتاری پیروان اسلام می باشد (درس ۳۵۳۶).

وعده‌های قرآنی که به پیروزی پیروان خود بشارت می دهد هیچ گاه محقق نشد:

«كَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرَ الْمُؤْمِنِينَ»^۲

«وَ كَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ»^۳

«إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا»^۴

«وَ يَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيزًا»^۵

اگر این پیروزی ها فقط به پیامبر یا گروه خاصی از مسلمین اختصاص داشت، پس قرآن را هم باید فقط مختص آنها دانست. ولی اگر قرآن کتاب همه مسلمین است، باید برای همه باورمندان به این آیین کاربرد داشته باشد (درس ۵۷۷۰).

منابع درس ۵۷۷۰:

تاریخ الرسل و الملوك یا تاریخ الامم و الملوك (تاریخ طبری)- محمد بن جریر طبری- جلد ۴ - صفحه ۲۸۳ - ناشر : مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت
مقتل الحسين از تاریخ طبری- محمد بن جریر طبری- صفحه ۴۱ - نشر معناگرا، تهران - سال ۱۳۸۷ ش

حکم شراب، مثالی از تناقض در قرآن

بر اساس یک سند دینی، عمر خلیفه دوم مسلمین در مورد حرمت شراب و حکم قطعی آن نه از پیامبر، بلکه در حضور او از خدا سوال کرد. گذشته از این که او پیامبر را به عنوان واسطه بین خدا و خودش به رسمیت نمی شناخت و خود را در مقام ارتباط مستقیم با خدا می دید و یا این که خدا را آن قدر پایین می دید که او را مانند یک همسخن می دانست، در این سند گفته شده که خدا سه بار به او پاسخ داد و هر بار آیه ای در مورد شراب فرستاد! شگفتا که در هر سه آیه، حکم قطعی در حرام بودن شراب نیامده، بلکه حکم به صورت بینابین و نامشخص صادر شده است. بنابراین در اینجا صحبت از خدایی شده که ضعیف عمل می کند و حرف خود را رک و مستقیم نمی زند، پس باید به همگان از جمله عمر حق داد که با چنین خدایی گستاخ باشند، با او بر سر شدت حکم صادره چک و چانه بزنند و یا در بهترین حالت مانند ابراهیم، از او بخواهند که حقیقت را به آنها نشان دهد تا بپذیرند! (درس ۵۲۲۳).

منابع درس ۵۲۲۳:

سنن ابو داوود- ابوداود سلیمان بن اشعث ازدی سجستانی- جلد ۲ - باب فی تحریم الخمر - حدیث ۳۶۷۰- ناشر : المكتبة المعارف للنشر والتوزيع، ریاض، عربستان سعودی، ۱۴۱۹ قمری

سنن ترمذی- ابوعلی محمد بن عیسی ترمذی- جلد ۵، صفحه ۱۴۰، فضائل القرآن- حدیث ۳۰۴۹ - ناشر : دارالغرب الاسلامی، بیروت، لبنان، چاپ اول، ۱۳۷۵ شمسی
سنن نسائی- حافظ ابی عبدالرحمن احمد بن شعیب بن علی بن بحر الخراسانی النسائی، جلد ۳، - صفحه ۴۸۷، کتاب الاشریة - حدیث ۵۵۵۵ - ناشر : المكتبة المعارف للنشر والتوزيع، ریاض، عربستان سعودی، ۱۴۱۹ قمری

در قرآن در یک جا ابتدا شراب به عنوان یک روزی نیکو معرفی شده و گفته شده که ارزش آن را فقط عاقلان می دانند. ولی این آیه بعدها منسوخ گردید و آیه دیگری که ناسخ می باشد نازل شد که آن را در زمره گناهی فاحش و سرکشی برشمرده است. با این حال هنوز در این آیه ناسخ گفته شده که اگر به حق باشد عیب ندارد. از این گذشته در قرآن شراب با عنوان مسکر به معنی شیرینی ها و نیز خمر به معنی مست کننده معرفی شده و هیچ گاه مستقیم امر به نخوردن نکرده است، بلکه گفته است که از اعمال شیطان می باشد. به این ترتیب در این کتاب در مورد شراب آسان گرفته شده و مشخص است که اصل توحید همان ایمان به خدای حقیقی می باشد و جزئیات زندگی انسان ها ربطی به توحید ندارد (درس ۳۳۷۰).

منابع درس ۳۳۷۰:

بحارالانوار- محمد باقر مجلسی- جلد ۶۳ - صفحه ۴۸۹ - ناشر : دار احیاء التراث العربی، بیروت - سال ۱۴۰۳ق
تفسیر عیاشی- محمد بن مسعود عیاش السلمی السمرقندی معروف به عیاشی - جلد ۳ - صفحه ۱۴ و ۱۵ - حدیث ۳۹ و ۴۲ - ناشر : انتشارات موسسه بعثت، قم، ۱۴۲۱ قمری
بحار الانوار - محمد باقر مجلسی- جلد ۷۶ - صفحه ۱۴۵ - ناشر : دار احیاء التراث العربی، بیروت- سال ۱۴۰۳ق

در تعدادی از اسناد دینی برای شراب خواص دارویی برشمرده شده که می تواند انگل هایی مانند کرم را از بدن دفع نماید و تمام موجودات مزاحم را نابود می نماید. این تقابل اسناد مختلف که یکی در مذمت و دیگری در تعریف شراب ارائه شده است، نشان می دهد که تفسیر های مختلف از یک موضوع خاص در دین موجود است، بنابراین ثباتی در اعتقادات توحیدی وجود ندارد. در چنین شرایطی نمی توان با دلایلی مانند ناسخ و منسوخ، این عدم تطابق ها را توضیح داد، چون امروزه عقل بشر کامل شده و چنین توجیهاتی را نمی پذیرد. علت تقابل ادیان در مقابل یکدیگر هم همین تناقض ها و دروغ هایی است که به خدا بسته اند، در غیر این صورت چون خدا یکی است، پس نباید بین ادیان درگیری باشد. چون ادیان به خدا متصل نیستند، پس در تضاد و نبرد با یکدیگر قرار گرفته و مردم بیگناه را فریب داده، گمراه کرده و قربانی می کنند (درس ۵۲۰۵).

منابع درس ۵۲۰۵:

عیون اخبار الرضا- شیخ صدوق- جلد ۲ - صفحه ۴۰ - حدیث ۱۲۲ - ناشر : جهان ، تهران.
صحیفة الامام الرضا - عبدالله بن احمد بن عامر طائی- جلد ۱ - صفحه ۸۸ - حدیث ۱۴۵ - ناشر : کنگره جهانی حضرت رضا، مشهد.

بحار الانوار- محمد باقر مجلسی- جلد ۶۳ - صفحه ۳۰۲ و ۵۲۴ - ناشر : دار احیاء التراث العربی، بیروت- سال ۱۴۰۳ق
بحار الانوار- محمد باقر مجلسی- جلد ۵۹ - صفحه ۱۶۵ و ۱۶۶ - ناشر : دار احیاء التراث العربی ، بیروت - سال ۱۴۰۳ق

طب الائمة - عبدالله و حسين، فرزندان بسطام بن شاپور زيات نيشابورى - صفحه ٦٥ - ناشر: المطبعة الحيدرية، نجف-چاپ دوم - سال ١٣٧٥ش.

اصول كافي- محمد بن يعقوب كلينى -جلد ٦ - صفحه ٣٣٠ - ناشر: دار الكتب الاسلامية، تهران- سال ١٤٠٧ ه.ق. المحاسن- ابو جعفر، احمد بن محمد بن خالد بركى- جلد ٢ - صفحه ٤٨٧- ناشر: دار الكتب الاسلامية ، قم.

چگونگی صدور حکم حجاب برای بانوان

بر اساس یکی از اسناد دینی، آیات قرآن بر اساس خواست صحابه پیامبر اسلام بوده است. به این ترتیب که آیاتی در پاسخ به درخواست عمر از طرف خدا به پیامبر نازل شده است که شامل آیه در تعیین جایگاه مقام ابراهیم در کعبه، آیه حجاب و آیه دیگری در مورد طلاق بانوان می باشد که وادار شوند شئون اسلامی را رعایت کنند. البته اگر رعایت شئون اسلامی توسط بانوان تا این حد اهمیت داشت، مشخص نیست که چرا بعدها یکی از همسران پیغمبر که از حامیان همین خلیفه بود، دست به ماجراجویی زد و ماجرای جنگ جمل را به راه انداخت (درس ٤٠٤١).

منابع درس ٤٠٤١:

صحيح بخاري- محمد بن اسماعيل بخارى - صفحه ١١١، حديث ٤٠٢- كتاب الصلاة - ناشر : دار ابن كثير ، بيروت - چاپ اول - ١٤٢٣ ه.ق

صحيح مسلم- : مسلم بن حجاج نيشابورى- جلد ٣، صفحه ١٨٦٥، كتاب فضائل الصحابه - حديث ٢٣٩٩، ناشر : دارالكتب العلمية، بيروت ، ١٤١٢ قمرى

مسند الامام احمد بن حنبل - أحمد بن محمد بن حنبل الشيباني، جلد ١، صفحه ١٠٦، مسند خلفاء راشدين، حديث ١٦٢ - ناشر: دار الكتب العلمية ، بيروت، لبنان، ١٤٢٩ قمرى

بر اساس يك سند دینی از قول عايشه، همسر پیامبر، در حالی که معمولا زنان پیامبر حجاب نداشتند، عمر که شخصیت با جذب و صدای بلندی داشت، به حالت طلبکارانه از او می خواهد که زنان خود را بیوشاند، با این حال پیامبر طفره می رفت و نمی پذیرفت تا این که طی یک ماجرای، یکی از زنان پیغمبر توسط عمر به دلیل بی حجابی مورد بازخواست و عتاب قرار گرفت و سپس به گفته عايشه، آیه حجاب نازل گردید و توسط عثمان خلیفه سوم مکتوب شد. در این مورد باید به صحبت این آیه و لزوم حجاب برای بانوان شک کرد چرا که امکان ندارد که خدا و پیامبر او، علیه نیمی از جامعه تبعیض روا دارند (درس ٤٠٧٨).

منابع درس ٤٠٧٨:

صحيح مسلم - مسلم بن حجاج نيشابورى - جلد ٤ ، صفحه ١٧٠٩، كتاب السلام- - حديث ٢١٧٠- ناشر : دارالكتب العلمية، بيروت ، ١٤١٢ قمرى

صحيح بخاري- محمد بن اسماعيل بخارى ، صفحه ٥٠ - كتاب الوضوء، حديث ١٤٦ ، ناشر : دار ابن كثير ، بيروت - چاپ اول - ١٤٢٣ ه.ق

صحيح بخارى - محمد بن اسماعيل بخارى، صفحه ۱۵۵۷، كتاب الإستأذان ، حديث ۶۲۴۰- ناشر: دار ابن كثير ، چاپ اول ، دمشق. ۱۴۲۳ ه.ق.

بی اعتباری جایگاه معنوی پیامبران

در یک سند دینی از قول فاطمه دختر پیغمبر گفته شده که فردی به نام دحیه کلبی به دیدار پیامبر رفته بود و او همان جبرائیل بود که گویا بال و پر هم داشته و از آن عطر خوشبو ریخته است. در حالی که نوع برخورد پیامبر با او همانند یک انسان معمولی بوده است. علت این که چرا جبرائیل به صورت دحیه کلبی ظاهر شده بود، مشخص نیست. ولی با توجه به سند دیگر که می گوید شیطان هم می تواند به هر شکلی درآید، بنابراین اصالت دحیه کلبی و جبرائیل و آنچه که او به نام وحی و مصحف به پیامبر تحویل داده است، زیر سوال می رود (درس ۵۵۰۰).

منبع درس ۵۵۰۰:

بحار الانوار- محمد باقر مجلسی- جلد ۴۳ - صفحه ۹۵ - حدیث ۵ - ناشر: دار احیاء التراث العربی، بیروت - سال ۱۴۰۳ق

در اسناد دینی مواردی مشاهده می شود که دشمنان پیامبر تلاش کردند که او را با خوراندن سم و یا با جادو از بین ببرند. در این موارد گفته شده که پیامبر از چنین آسیب هایی مصون ماند. چون او نایب خدا بر زمین بوده و یا تحت حفاظت خدا بوده است. در عین حال مواردی ثبت شده است که عایشه همسر پیامبر مدعی شده که او را جادو کرده بودند، به طوری که حواس خود را از دست داده بود و یا این که در نهایت پیامبر در اثر مسمومیت با زهر جان خود را از دست داد. اگر ملاک پیامبری مصونیت باشد، پس پیامبر باید حفاظت شود. در غیر این صورت او پیامبر محسوب نمی شود و آن خدایی که او معرفی کرده است، واقعی نمی باشد. پس می توان نتیجه گرفت که او متصل به ماورا نبوده، ارتباط او محدود به جبرائیل بوده که او همان دحیه کلبی می باشد و کتابی که گرد هم آورده اند، شنیده هایی است که شاید دحیه کلبی تحویل پیامبر داده و یا در هر صورت وصل به خدا نیست. چون کلام این کتاب و عدم تحقق وعده های آن با جبروتیت خدا در تضاد است. جبرائیل و روح القدس پیامبران را به سمتی هدایت کردند که به مردم وعده های بهشت و جهنم در چند میلیارد سال آینده دهند، در حالی که شرایط کنونی پیروان آن ادیان اسفناک می باشد (درس ۵۵۳۷).

منبع درس ۵۵۳۷:

مشكاة الانوار في غرر الاخبار- ابوالفضل علی بن حسن بن فضل طبرسی- جلد ۱ صفحه 228 - ناشر: المكتبة الحیدریه، نجف - سال ۱۳۸۵ ه.ق

بر اساس اسناد دینی، القای دروغ از ناحیه پیامبران آغاز شده و البته که «عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» مسئول تمامی این اکاذیب است. خمیرمایه زمان و مکان غیبت از دروغ است. در قرآن گفته شده که یعقوب فرزندان خود را هشدار داد که مبادا بگذارند که گرگ یوسف را بخورد. البته فرزندان یعقوب نمی دانستند که گرگ انسان را می خورد و یعقوب با کلام خود این موضوع را به آنها القا کرد. بنابراین وقتی که فرزندان وی خبر از دست

رفتن یوسف را به او دادند، همان طور مدعی شدند که گرگ یوسف را خورده است. یعنی آنچه را که شنیدند، به خود او بازگرداندند. در سند دیگری نیز از پیامبر اسلام روایت شده که سوگند و گواهی ندهید مگر این که چون آفتاب برای شما روشن باشد. در اینجا پرسش پیش می آید که مگر آنچه ادیان از جمله دین خود محمد به بشر تحویل دادند، روشن بوده است؟ اگر چنین بود، پس باید حق را به خلیفه دوم داد که می گفت کتاب خدا برای ما بس است و نیازی به تفسیر و حدیث و روایت و حتی وصیت پیغمبر نداریم. در حالی که این کتاب مدعی است که بیان هر چیزی در آن گفته شده و یا خدا را بخوانید تا شما را استجاب کند، اما اینها وعده هایی است که هرگز پاسخ داده نشد (درس ۵۷۲۳).

منابع درس ۵۷۲۳:

تفسیر الصافی (الصافی فی تفسیر القرآن) - ملا محسن فیض کاشانی - جلد ۳ - صفحه ۸ - حدیث ۳۳۶۱ ناشر: مکتبه الصدر، تهران - سال ۱۳۷۳ ش
بحار الانوار - محمد باقر مجلسی - جلد ۱۲ - صفحه ۲۲۱ - حدیث ۶۲۹۰ - ناشر: دار احیاء التراث الاسلامی، بیروت - سال ۱۴۰۳ ق

نورالثقلین - عبد علی بن جمعة العروسی حویزی - جلد ۲ - صفحه ۴۱۵ - ناشر: اسماعیلیان، قم - سال ۱۴۱۵ ه.ق.
وسایل الشیعة - شیخ حرّ عاملی - جلد ۲۷ - صفحه ۳۴۲ - ناشر: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، قم - ۱۴۱۶ ه.ق
مستدرک الوسایل - میرزا حسین نوری - جلد ۱۷ - صفحه ۴۲۲ - مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، قم سال ۱۴۰۹ ه.ق
کتاب مکاسب مُحرّمه صفحه ۵۰،
کتاب کنز العمال حدیث ۸۲۲۸

عاشورا

هنگامی که حسین از مکه خارج شد تا به کربلا برود، در پاسخ کسانی که او را منع می کردند، گفت که «استخاره کردم و خوب آمده است، بنگرید که چه می شود». این ماجرا در نهایت برای او با شر به پایان رسید. اگر استخاره به قرآن بوده که می توان گفت این کتاب پاسخ اشتباه به امام مسلمین داد، پس به قول جبرائیل خود این کتاب فتنه است. از طرفی اگر استخاره به معنی طلب خیر از خدا بوده، نشان می دهد که خدای این دین حتی به داد فرزند پیامبر نیز نمی رسد. بنابراین حسین به همگان و تاریخ نشان داد که آیا در خدای این دین خیری هست یا نه، او عقاید توحیدی این دین را آزمود و نشان داد خدایی که ادیان و مذاهب آوردند و حاکم بر عقاید متدینین و متشرعین و موحدین در طول هزاران سال بود، حقیقت و کارآیی ندارد (درس ۵۷۷۰).

منابع درس ۵۷۷۰ الف:

وقعة الطف (بازسازی شده کتاب ابومخنف لوط بن یحیی ازدي) - محمدهادي اليوسفي الغروي جلد ۱ - صفحه ۱۴۸ - ناشر: جماعة المدرسين في الحوزة، قم - مؤسسه النشر الاسلامی - سال ۱۴۱۷ ه.ق
مقتل ابي مخنف - ابو مخنف لوط بن یحیی ازدي - خروج الحسين من مكة - صفحه ۶۴ - چاپخانه علمیه، قم - چاپ دوم - سال ۱۳۶۴ ش

درس‌های نهضت حسینی، توحید را کامل می‌کند و نشان می‌دهد که ادیان زمینی جز فریبکاری، دستاوردی نداشتند. در ماجرای عاشورا گفته شده که نماینده حسین، که مسلم نام داشت، در شهر کوفه دستگیر شد و او را به بالای دارالاماره بردند تا به پایین پرتاب کنند. او در آن هنگام شروع به گفتن «الله اکبر» و استغفار کرد که در واقع نوعی پرده برداری از واقعیت محسوب می‌گردد. چون تا پیش از آن، این شعار برای مسلمین در پیروزی بر غیر مسلمانان استفاده می‌شد و خود پیامبر نیز در هنگام شگفتی از آن استفاده می‌کرد. در واقع مسلم به انتهای ناتوانی رسیده و به جایی رسیده که تنها خدا را برای یاری صدا می‌زند و وقتی که پاسخ نمی‌آید، از گفتن آن استغفار می‌کند. چون آن‌الله از او حمایت نکرد. در عین حال بر ملائکه و رسولان خدا درود می‌فرستاد که در واقع نوعی کنایه است به آنچه که در اسناد دینی در مورد کمک‌های فرشتگان الهی گفته شده و یا رسالت پیامبران که مدعی بودند خدا به پیروان آنها یاری می‌دهد و پیروزی از آنهاست. این مردم کوفه نبودند که مسلم را فریب دادند، بلکه تفکرات توحیدی ارائه شده توسط این دین است که او را فریب داد. آنچه که دین ادعا می‌کند مبنی بر این که خدایی هست که یاری کند، او را فریب داد و هرگز یاری نکرد (درس ۵۷۷۰).

منابع درس ۵۷۷۰-ب:

وقعة الطف (بازسازی شده کتاب ابومخنف لوط بن یحیی ازدي) - محمدهادي اليوسفي الغروي - جلد ۱ - صفحه ۱۴۰ - ناشر: جماعة المدرسين في الحوزة، قم - مؤسسه تلنشر الاسلامي - سال ۱۴۱۷ ه.ق
مقتل ابي مخنف - ابو مخنف لوط بن یحیی ازدي - صفحه ۵۵ - چاپخانه علمیه قم - چاپ دوم - سال ۱۳۶۴.
الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد - شیخ مفید - جلد ۲ - صفحه ۶۳ - مؤسسه آل البيت لإحياء التراث ، قم، ایران، سال ۱۴۱۶ ه.ق.

اگر موضوع محرم و امام حسین با دقت بررسی گردد، نکات مهمی حاصل می‌شود که قابل تفکر و تدبیر می‌باشد، چون پرده‌های ابهام را از پرسش‌ها و واقعیت‌های نهفته دینی کنار می‌زند و این پرسش بنیادین پیش می‌آید که آیا اصولاً این دین و مقدسات آن حقیقت دارند و آیا خدای معرفی شده در این دین حقیقی است؟ در طی این نبرد، او همه مردم کوفه را که در بین آنها مسلمان، مؤمن، قاری قرآن و فروع دینی‌ها بودند، کافر خطاب کرد که نشان می‌دهد اسلام تا آن زمان نتیجه‌ای در تغییر عقاید اعراب نداشته است.

مردم کوفه به او گفتند که علت نفرت آنها از حسین، دشمنی با پدرش علی می‌باشد که نشان می‌دهد شمشیر علی در وادار کردن مردم به اسلام و زوری که پیامبر به کار برد، با مسموم کردن خود او و کشته شدن علی و فرزندش حسین به پایان رسید.

حسین خود را معرفی کرد و از فضایل پدر و مادر و نزدیکان خود سخن گفت و گفت که کتاب خدا که صداقت دارد و وحی نزد ماست. پس این کلمات نشان می‌دهد که از نظر او کاتبان سایر کتاب‌ها دروغگو هستند و دین و ایمانی که بر اساس آن می‌باشد نیز بی‌ارزش می‌باشد.

حسین گفت که ما امان خدا برای همه مردم هستیم، پس در این صورت چرا خود او و یارانش امنیت نداشتند؟ اگر این نکات در کنار هم مورد بررسی قرار گیرد، ابعاد ناشناخته و مهمی از ماجرای عاشورا برای اهل تحقیق باز می‌گردد (درس ۵۷۷۵).

حسین در هنگام جان دادن خدا را صدا زد و او را با عناوینی مانند دارای قدرت بالا و جبروت عظیم، کسی که رحمت او نزدیک است، هر کاری بخواهد می کند، صادق الوعد و تعاریف مانند آن خطاب کرد و خود را محتاج کمک خواند. حتی خود را در ترس و اضطراب، بلازده و گرفتار و مستوجب یاری خواند و از خدا طلب کمک کرد، ولی هیچ کمکی از طرف آن خدا به او نشد (درس ۵۷۷۵).

منابع درس ۵۷۷۵:

مقتلُ الحُسَینِ علیه‌السلام مشهور به مقتل خوارزمی - موفق بن احمد خوارزمی - جلد ۲ - صفحه ۳۷ - ناشر: انوار الهدی - چاپ دوم - سال ۱۴۱۸ ه.ق

بحارالانوار- محمد باقر مجلسی- جلد ۴۵- صفحه ۹۲ - ناشر: دار احیاء التراث العربی ، بیروت - سال ۱۴۰۳ق
مناقبُ آلِ اَبی طالب مشهور به المناقب- محمد بن علی بن شهر آشوب مازندرانی- جلد ۴ - صفحه ۷۹ - ناشر: علامه - نشر قم.

کتاب لُهوف صفحه ۱۱۷،

کتاب مَثیر الاحزان صفحه ۷۰،

کتاب ارشاد القلوب شیخ مفید جلد ۲ صفحه ۱۰۸،

کتاب إعلام الوری صفحه ۲۴۷،

کتاب احتجاج علی اهل اللجاج، احمد ابن علی طبرسی، جلد ۲ ، صفحه ۹۹، روایت ۱۶۸، ناشر: دارالکتب الاسلامیه، قم، ایران، ۱۳۸۷ شمسی

پس از ماجرای عاشورا و سرکوب امام حسین، در هنگامی که سرهای قربانیان کربلا را وارد قصر یزید کردند، یزید گفت من حق خودم را از پیامبر گرفتم. پس معلوم می گردد که گویا پیامبر به یزید بدهکار بوده که بدهی او همان تلاش او برای گسترش اسلام به قیمت نابودی زر و زور و تزویر ابوسفیان جد یزید بوده است. بنابراین وقتی که پیامبر به دنبال سیاهی لشکر برای افزایش جمعیت اسلام بود و آزادی عقیده را نادیده می گرفت و شعار او این بود که «مبعوث شدم تا شما را بکشم مگر این که بگوئید لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، اعراب دست های خود را بالا بردند و تسلیم شدند و به حوزه اسلام راه یافتند. ولی مسلماً ایمان نیاوردند که ثابت می کند پیامبر در بیست و سه سال تلاش و جهاد، فقط آب در هاون کوبید. بنابراین واکنش این رفتار پیامبر در نابودی غدیر و خانه نشینی و کشتار خاندان او بازتاب یافت و اسلام به راهی رفت که به یک دین ناکارآمد، بلکه فتنه گر تبدیل گردید (درس ۵۵۱۰).

منبع درس ۵۵۱۰:

بحارالانوار- محمد باقر مجلسی- جلد ۴۵- صفحه ۱۹۹ - ناشر: دار احیاء التراث الاسلامی ، بیروت - سال ۱۴۰۳ق
کتاب کمال الدین جلد ۱ صفحه ۲۸۲،

به زودی مجموعه کاملتری از تدریس ها و نوشته های ایشان به همراه اسناد و مدارک مربوطه به سه زبان فارسی - انگلیسی - عربی در سایت زیر در دسترس همگان قرار خواهد گرفت.

<http://vistapedia.us/>

-
- 1 آنچه در گذشته رخ داده، و آنچه در حال است و آنچه که در آینده اتفاق می افتد.
 - 2 و بر ما نصرت و یاری اهل ایمان حتم است.
 - 3 اهل ایمان را هم این گونه نجات می دهیم.
 - 4 ما تو را به فتح آشکاری پیروز می گردانیم.
 - 5 و خدا تو را به نصرتی با عزت یاری کند.